

مقصود از شاخه یا غصن در بشارت ذکر یا کیست؟

فاروق ایزدی‌نیا

در عهد عتیق، باب ششم، آیه سیزدهم، چنین مذکور، "اینک مردی که به شاخه مسمی است و از مکان خود خواهد روئید و هیکل خداوند راب بنا خواهد نمود..."
حضرت عبدالبهاء در اشارتی به میرزا آقاخان، در بیانات شفاهیه، می‌فرماید: "آخر الامر یک روز درب دگان نجاری بودم؛ آمد و گفت ناقضین می‌گویند که مقام اعلی را نمی‌گذارند شما درست کنید. ولی من گفته‌ام درست می‌شود برای این که در تورات مذکور است که غصن‌الله بیت را بنا خواهد کرد. هیچ جواب ندادم و ابدأ اعتنا نکردم." (اسرار الآثار خصوصی، ج ۳، ص ۱۹۵)

حضرت ولی امرالله در بیانات شفاهیه می‌فرماید، "در کتاب اشعیا مذکور است، آنچه انبیای بنی اسرائیل وعده داده‌اند در این دور تحقق خواهد یافت. رجوع به کتاب مفاوضات کنید؛ می‌فرمایند ذکر غصن بی‌همال است. مقصود جمال مبارک است. غصن که در کتاب اشعیا مذکور است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند در کلّ این غصن جمال مبارک هستند. جمال مبارک در بعضی موارد غصن، در بعضی فرع، و در بعضی سدره هستند. اگر می‌فرمایند غصن هستند یعنی غصن سدره الهیه. احبّاء باید این نکات را ملتفت باشند. مخصوصاً به مبلغین گفته شود که به مبشّرین [مبلغین مسیحی] بگویند که این غصن که در کتاب اشعیا است مقصود جمال مبارک است. بعضی گمان کرده‌اند که مقصود از غصن حضرت عبدالبهاء و هیکل، مقام اعلی است. این بشارت راجع به حضرت بهاءالله است. مقام اعلی را جمال مبارک ساختند. بله مقصود لوح هیکل است که می‌فرمایند هیکل موعود ظاهر شد. بعد از نزول و صدور لوح هیکل در الوح مبارک صریحاً ذکر شده است؛ می‌فرمایند ید اقتدار این هیکل را بنا کرد؛ این هیکلی نیست که از طین باشد، آیا کدام بهتر است؟ از این معلوم است که تحقق جمال مبارک کتاب هیکل است. در الوحی که در بغداد نازل شده ذکر غصن می‌فرماید؛ بعضی راجع به حضرت عبدالبهاء و بعضی راجع به نفس مبارک است. اشتباه نشود، کلام مبلغین باید مطابق بیانات صریحه جمال

مبارک باشد و الا اعدا این اعتراض را می‌کنند، علی‌الخصوص مبشرین، می‌گویند بهائیان بسیار غلو کرده‌اند. این فصل کتاب مفاوضات را احباء به دقت تام ملاحظه کنند؛ و عده به جمال مبارک است؛ و عده اشعیا و عده ظهور مبارک است." (فاران حبّ، تألیف وحید رأفتی، صص ۴۹۱-۴۹۲) این موضوع در «قرن بدیع» نیز ذکر شده که در سطور پایین ملاحظه میکنید.

جناب ابوالفضائل (فرائد، ص ۲۷۰) مرقوم داشته‌اند: "در کتاب اشعیای نبی در اصحاب یازدهم در اخبار از ظهور مسیح فرموده، «یخرج قضیب من جزع یسای و ینبت غصن من اصوله...» یعنی و نهالی از تنه یسای (پدر حضرت داود) بر آمده شاخه‌ای از ریشه‌هایش قد خواهد کشید و روح خداوند که روح حکمت و فطانت و روح مشورت و قوت و روح علم و خشیت از خداوند است بر آن خواهد آرمید. و مقصود از لفظ "جزع یسای" در این مقام ارض داود است یعنی اراضی مقدسه که مغرس شجره طیبه است و منبت همایون غصن سدره مبارکه. و در اصحاب ششم کتاب زکریای نبی می‌فرماید، «و کلمة قائلاً...» یعنی و به او بگو که ربّ الجیوش چنین می‌فرماید که اینک شخصی که اسمش غصن است و از مکانش خواهد روئید و هیکل خداوند را بنا خواهد فرمود. و در آیه اول اصحاب چهارم کتاب اشعیای نبی می‌فرماید، «فی ذلک الیوم یکون غصن الرّب بهاء و مجداً» و مقصود این است که حقّ جلّ جلاله از مرکز میثاق قویم اخبار نموده و لفظ غصن را استعاره بر فرع منشعب از اصل قدیم اطلاق فرموده. یعنی در یوم موعود همایون غصن شجره طیبه بروید و برومند شاخ سدره منتهی قد برافرازد و انوار مجدت و عزّت الهیه از وجه منیرش مشرق گردد و هیکل ربّ یعنی بیت دیانت الهیه را مشید و معمور فرماید تا نور توحید حقیقی از جمیع آفاق مشرق شود و ظلمت کفر و شرک و نقض و نکث یکسره زائل و باطل آید.

حضرت ولی امرالله در «قرن بدیع» (ص ۲۰۹) درباره جمال مبارک می‌فرمایند، "حضرت داود در مزامیرش این ظهور اعظم را «ربّ الجنود» و «سلطان جلال» می‌خواند؛ حگّی او را «مقصود امم و محبوب عالم» می‌نامد. زکریا او را به اسم «غصن» که «از مکانش خواهد روئید و هیکل خدا را بنا خواهد فرمود» تسمیه می‌نماید."

حضرت ولی امرالله در توقیعی راجع به حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "در دامنه کرم الهی هیکل موعود را بیان فرمود و به دست مطهر، عرش ربّ اعلی را در آن مقام مقدس مسکن داد." (توقیعات خطاب به احبای شرق، ص ۲۷)